



نماینده شیخ از اعدام در اسلام میگوید

خاتمی رئیس جمهور رژیم جمهوری اسلامی در کشور اسپانیا و پس از مذاکرات رسمی با خوزه ماریا اسنار نخست وزیر کشور پادشاهی اسپانیا در یک کنفرانس مطبوعاتی به اتفاق نخست وزیر اسپانیا، شرکت کرد. این مصاحبه از تلویزیون جمهوری اسلامی ایران پخش گردید.

دولت اسپانیا سعی دارد علیرغم وجود اعتراضات بین المللی و افکار عمومی بشر دوست علیه نقض حقوق بشر در ایران، مذاکرات خود را با رژیم جمهوری اسلامی بطور علنی ادامه دهد و در پناه مذاکرات و قراردادهای اقتصادی محرمانه روابط سیاسی را گسترش دهد. دولت اسپانیا امثال بسیاری از کشورهای اروپائی سعی دارد، افکار عمومی را نسبت به مسئله ی حقوق بشر در ایران که در سرراشیب سقوط قرار گرفته است، تغییر دهد. در صورتیکه رژیم جمهوری اسلامی مرتجع تر از آن است که بتواند خود را با قوائد متعارف سرمایه داری حتا در ظاهر هماهنگ سازد. در صورتیکه اعدام های علنی ، سنگسار، دست و پا قطع کردن، اعدام های زندانیان سیاسی با گذراندن ۱۰ سال زندان شدت گرفته و وکیل خانواده قربانیان قتل های زنجیره ای به ۵۰ ضربه شلاق و ۵ سال زندان، برای بیان "آدم که میمون نیست تقلید کند" حکم اعدام صادر می کنند و . . . باز با این حال دولت های اروپائی برای بازی با افکار عمومی سعی دارند، جمهوری اسلامی را به دو جناح اصلاح طلبان و جناح خشونت طلب تقسیم کنند و از این راه حقوق بشر را قربانی منافع مادی کنند.

در این کنفرانس مطبوعاتی آنچه که جالب بنظر می رسید، ترس هردو از سؤال های خبرنگاران بود. خوزه ماریا اسنار سعی داشت به سؤال ها خلاصه اشاره کند و حتی جواب سؤالی را به خاتمی حواله داد، بنظر می آمد که ترس از افشا مذاکرات و قراردادهای پشت پرده با نماینده جمهوری اسلامی، تمامی رشته های او را پنبه کند و آلت دست روزنامه ها و نشریات و حتی احزاب مخالف خود قرار گیرد. این ترس و وحشت از آنجا ناشی می شود که دول اروپائی اطلاعات کافی در رابطه با تغییرات اوضاع سیاسی و نقض حقوق بشر در کشور ایران دارند و نیز می دانند هر آن امکان دارد اتفاقی غیر قابل انتظار صورت گیرد و ادعاهای آنان در باره باند خاتمی نقش برآب شود. برعکس خاتمی از این بابت نگرانی ندارد و خود را در مقابل نهادهای دمکراتیک و احزاب مستقل و روزنامه های آزاد در امان می بیند و تنها پاسخی که خواهد داد به مرشد خود است. از طرف دیگر خاتمی در مأموریت خود اهداف سیاست خارجی را اعمال می کند و مذاکرات مخفی را پیش می برد و در این راستا با امتیازهای ویژه به شرکتهای اروپائی خود را ملزم به رضایت افکار عمومی نمی بیند. بلکه خاتمی مأموریت دارد با امضا قراردادهای مخفیانه در خارج از کشور امنیت افشا قراردادهای تضمین شود و مدارک و اسناد قراوداها مستقیماً در اختیار کمیته سیاست خارجی رژیم قرار گیرد. از طرف ۲ صفحه

حکم شلاق و اعدام برای . .

" آدم که میمون نیست تقلید کند."

حکم شلاق، زندان، اعدام برای هاشم آغاچری پاسدار و معلول" جنگ ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی و رژیم بعثی عراق" ، استاد دانشگاه تربیت مدرس و عضو ارشد سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی اتفاقی و جدید نیست و سالهاست در حیات جمهوری اسلامی رواج دارد و هزاران نفر از مبارزان و فرزندان پاک این سرزمین به اتهام مرتد و محارب بدون هیچگونه حق دفاع، در دادگاه های لحظه ای به اعدام محکوم و به جوخه های اعدام سپرده شدند و هنوز همچنان ادامه دارد. افشا اعدام های اخیر زندانیان سیاسی در کردستان ایران و قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ نمونه های بسیار وحشیانه آن است. ادامه در صفحه ۳

* * * * *

بیاری صدها پناهجوی گریخته از جهنم جمهوری اسلامی در شمال عراق بشتابید.

این عنوان اطلاعیه ای است که از طرف کمیته کردستان سازمان اتحاد فدائیان کمونیست در تاریخ ۲۹-۱۰-۲۰۰۲ صادر گشته است. در این اطلاعیه ضمن دردناک خواندن سر نوشت صدها پناهنده ایرانی در شمال عراق آمده است: " روز ۲۷-۱۰-۲۰۰۲ مدیر کل UNHCR شمال عراق خانم " روسیلیا" اعلام نموده که حکومت مرکزی عراق وجود دفتر UNHCR در شمال عراق را غیر قانونی اعلام کرده و ابلاغ نموده که حداکثر ظرف ۶ روز پس از ابلاغ این دستورالعمل، خانم روسیلیا و کارکنان UNHCR می بایست شمال عراق را ترک کنند و هر کدام از پناهجویان که مایلند به کمپ رمادیه (التاش) بروند می توانند با نام نویسی و اعلام آمادگی برای اعزام به کمپ UNHCR در رمادیه (التاش) که در نزدیکی شهر بغداد و تحت کنترل حکومت مرکزی عراق است، منتقل شوند و در غیر اینصورت هیچ ارگان و نهادی در برابر آنان و سرنوشتشان مسئول نیست."

در صفحه ۴

* * * * *

دیدار وزیر امور خارجه سوئیس با "هاشمی رفسنجانی" رهبر تروریست ها

دنیا ی غربی است، وقتی دولت های سرمایه داری غرب در خارج از مرزهای کشورهای اروپائی مورد بررسی قرار می گیرند، ماهیت ارتجاعی دولت های سرمایه داری کاملاً مشخص می شود. دولت های، مدعی حقوق بشر وقتی بر سر منافع اقتصادی و غارت منابع کشورهای دیگر وارد معامله می شوند معلوم می شود که چقدر در مسائل حقوق بشر معتقد به میثاق های بین المللی هستند. در صفحه ۳

* * * * *

تظاهرات ضد جنگ در استرالیا صفحه ۴

نماینده شیخ از اعدام در اسلام میکوید

دیگر رژیم اسلامی ماهیت شعاری حقوق بشر کشورهای سرمایه داری را درک کرده است و می خواهد مشکل افکار عمومی داخلی کشورهای اروپائی را نیز با امتیازات ویژه و گنجاندن شرایط خفت بار در قراردادهای مخفیانه تا حدودی به دولت ها واگذار کند. بهر حال خاتمی که برگ برنده خود را در مقابل جناحهای دیگر نمی خواهد از دست بدهد و افکار عمومی خارجی را بر علیه خود بشوراند دوست ندارد از جواب سوالاتی، در باره نقض حقوق بشر کاملاً سر باز زند.

البته باید توجه کرد که نگرش کشورهای اروپائی نسبت به خاتمی حاصل سیاستهای وی نبوده است، بلکه دولت های اروپائی برای بستن قراردادهای تجاری و نفتی با ایران، احتیاج به عنصری دارند که بتوانند او را در نزد افکار عمومی علم کنند. بر این اساس رژیم جمهوری اسلامی را به دو جناح کاملاً متضاد تقسیم می کنند و با تصویر کشیدن قدرت دو گانه در ایران خاتمی را نماینده دمکراسی نو پا در ایران معرفی می کنند. خاتمی نیز با بیان این که "قدرت دوگانه ای در کشور وجود ندارد و بر طبق قانون اساسی ولایت فقیه در راس امور قرار دارد و سیاستهای کلی رژیم توسط خامنه ای تدوین می شود." این بینش را در باره ایران نقش بر آب کرد.

بهتر است از فضای کلی به بررسی تعدادی از سؤال ها برگردیم. رژیم جمهوری اسلامی که بر اساس اسلام استوار و ولایت فقیه لازمه وجودی حکومت اسلامی است. ولی فقیه (رهبر) از بین روحانیون شیعه تعیین شده و بعنوان نایب امام زمان در زمان غیبت وی در روی زمین حکمرانی می کند. نزدیکان رژیم، انصار و خودی نامیده می شوند و دیگر افراد جامعه را امت می نامند. رژیم اسلامی حقی در حکومت برای امت نمی شناسد. از طرف دیگر مسئله بسیار مهمی که ایدئولوژی اسلامی با آن درگیر است، مسئله زنان است. در صورتیکه نصف جمعیت کشور را زنان تشکیل می دهند با این وجود در رژیم اسلامی به حساب نمی آیند. در ثانی کسانی که امت نامیده می شوند، حتی حق ندارند از دین خارج و یا بدان شک کنند و اگر زمانی چنین اتفاقی صورت گیرد، مرتد خوانده می شوند و باید منتظر حکم ارتداد باشند و به نام کافر بعد از تحمل ضربات شلاق، اعدام شوند. در چارچوب رژیم جمهوری اسلامی هرگونه تشکل مستقل، احزاب مستقل و روزنامه و نشریات مستقل با تکیه بر ایدئولوژی های دیگر حرام بوده و بانیان و اعضای آن تحت تعقیب و مورد شکنجه قرار گرفته و چه بسا جان خودشان را از دست بدهند. با این وضع، خاتمی به عنوان نماینده دمکراسی در ایران به افکار عمومی کشورهای خارجی خورنده می شود.

بهتر است تعریف دمکراسی را از زبان خاتمی بشنویم. او در جواب سؤالی در مورد دمکراسی می گوید: " ما دمکراسی را بعنوان یک راه پذیرفته ایم و آن را با معیارهای فرهنگ دینی خودمان هماهنگ می کنیم و معتقدیم جوهر مشترک دمکراسی، این است که قدرت از مردم بر آید و برای مردم و تحت نظر مردم باشد و مردم حق تعویض حکومت را داشته باشند." به تازگی خاتمی دریافته است که باید با احتیاط صحبت کند و می گوید ما دمکراسی را پذیرفته ایم. وی با زرنگی می خواهد بازی با کلمات را در افکار عمومی زنده نگه دارد و برای تلفیق فرهنگ دینی با دمکراسی زمان بخواهد و نقض فزاینده حقوق بشر در ایران را لازمه گذار به دمکراسی القا کند و در سایه این تبلیغات به جنایات خودشان ادامه دهند. در حقیقت در بیان ایشان هیچگونه جایی از دمکراسی دیده نمی شود و تنها یک سری شعارهای ارتجاعی است که داده می شود. —————

واقعی مردم وقتی عینیت پیدا می کند، که مردم بتوانند، توسط نهادهای دمکراتیک واقعی، خود حاکمیت را بدست گیرند. چه بسا دیکتاتورهای با توسل به قدرت نظامی، سرنوشت جامعه را بدست گرفته اند و نیز جمهوری اسلامی توانست، در نبود ارکان ها و ساختارهای تشکیلاتی مردمی قدرت را قبضه کند و چنان دیکتاتوری برقرار کند و کشتار راه بیاندازد که روی جنایتکارترین دیکتاتورهای تاریخ بشری را سفید کند. تنها مردم توانستند، ناظر پایمال شدن حقوق خود و کشتار عزیزان شان باشند. جمهوری اسلامی در تعریف از دمکراسی اسلامی مردم را به خودی و غیرخودی تقسیم می کند. اجازه می دهد خودی ها باند تشکیل دهند و به حزب سازی مشغول شوند و به غارت مردم بپردازند و جنایت بیافرینند. تقسیم خودی و غیر خودی بنوعی در دمکراسی بورژوائی بصورت کشور خودی و غیر خودی خود را نشان می دهد. دولت های غربی دمکراسی را در کشورهای خود بنوعی حفظ می کنند. البته باید توجه کرد که در غرب طبقه کارگر دارای تشکل های پایدار است و احزاب و نهادهای دمکراتیک و نشریات و روزنامه های مترقی فعال هستند و در مقابل تهاجمات سرمایه داران از آزادی های مدنی، اجتماعی و سیاسی دفاع می کنند. ولی دمکراسی بورژوائی در کشورهای مستعمره "قدیم" و یا در کشورهای دیکتاتوری نه تنها اعمال نمی شود بلکه با حمایت از رژیم هائی مثل جمهوری اسلامی عملاً در نقض دمکراسی شریک می شوند.

جمهوری اسلامی در حکومت چندساله ننشها به هیچ نهاد دمکراتیکی و نشریه و روزنامه اجازه فعالیت نداده بلکه با شدت تمام در جهت سرکوب این نهادها عمل کرده است و نشریات منتقد خودی را نیز توقیف و نویسندگان را ترور یا به زندان محکوم کرده است.

هزاران دعا و جادوی خاتمی نیز نتوانست خبرنگاران را از سؤال در رابطه با زندان و اعدام تسلیم کند و خاتمی مجبور شد در این مورد موضع خود را اعلام دارد. وی موزیانه به دفاع از اعدام و شکنجه برخاست و سعی کرد مثل دیگر مقامات ارشد جمهوری اسلامی بنوعی وجود زندانی سیاسی و اعدام زندانیان سیاسی در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی نفی کند. او می گوید: " مسئله اعدام بحث انگیز است و این انحصار به ایران ندارد و در اسلام نیز درجای بخصوصی اجازه داده شده است." او با بیشرمی ادامه می دهد و می گوید: " هیچکس از کشتن انسانها خوشحال نمی شود، اما کشتن بی گناه بسیار ناراحت کننده است." بحث انگیز بودن اعدام بر می گردد به قرآن، احکام اولیه، روایات و فتوهای مختلف مراجع تقلید که تبلور آنان در قوانین مجازات اسلامی و لایحه ی قصاص و لایحه شکنجه و . . . است، از نظر خاتمی نفی اعدام مرتد، سنگسار، قطع عضو، شلاق، و . . . یعنی نفی مبانی احکام حکومتی اسلام و چون خاتمی مایل به از دست دادن حکومت نیست نمی تواند از چارچوب اسلام حکومتی خارج شود. ناراحتی خاتمی یک بازی آخوندی است و او از اعدام هزاران نفر بیگناه بدست رژیم جمهوری اسلامی که حتی در میان آنان کودکان بسیاری دیده می شود، نیست. چون همین آقا اولین نفری بود که بعد از کشته شدن لاجوردی "جلاد اوین" از خدمات او در زمان حیاتش تمجید کرد.

رژیم دشمنی خود را با آزادیخواهان و کمونیست ها و مبارزان سیاسی با کشتن هزاران فعال سیاسی و سرکوب نهادهای دمکراتیک و مردمی آغاز کرد و فعالیتی بنام فعالیت سیاسی را مردود شمرد و بسیاری از مخالفان را بعنوان مرتد، ملحد، ادامه در صفحه ۴

دیدار وزیر امور خارجه سوئیس با هاشمی رفسنجانی...

ادامه از صفحه ۱

برای موجه ساختن غارت خود با هزار تعرفه از تراشیدن صفت دمکرات برای جانبان و تروریستها هم ابا نمی کنند. سفر وزیر امور خارجه سوئیس جوزف دایس به ایران و دیدار وی با هاشمی رفسنجانی و سفر لاری وزیر کشور رژیم جمهوری اسلامی ایران به ایتالیا و قراردادهای امنیتی با ایتالیا را می شود از این منظر دید.

رژیم جمهوری اسلامی که ترور مخلفان رژیم در داخل و خارج از مرزهای کشور را بشدت پی گیری می کند و با راه اندازی گروه های تروریستی در دیگر کشورها به اقدامات تروریستی دست می زند و مردم بی گناه را به کشتن می دهد و حق سکوت های کلان برای مخفی نگه داشتن اقدامات تروریستی به افراد بانفوذ پرداخت می کند و حتا تا آنجا پیش رفته است که به مقام ارشد دولت آرژانتین رشوه کلانی داده تا جلوی تحقیقات در انفجار سفارت دولت ارتجاعی اسرائیل در آرژانتین را بگیرد. از طرف دیگر هاشمی رفسنجانی که خود یکی از آمران ترور مخلفان رژیم در خارج و داخل کشور است و در یکی از دادگاه های آلمان به عنوان یکی از آمران ترور مخلفین شناخته شده است. دیدار وزیر امور خارجه سوئیس با هاشمی رفسنجانی بسیار بحث انگیز است. هاشمی رفسنجانی در این ملاقات می گوید: "تا زمانی که قدرت های جهانی مجری سیاست های دوگانه در برخورد پدیده شوم تروریسم باشند، جهان در این مبارزه موفق نخواهد شد."

بنظر می آید هاشمی رفسنجانی خیلی صادقانه به مسئله تروریسم برخورد می کند و حضور وزیر امور خارجه سوئیس در ایران و ملاقات وی با هاشمی رفسنجانی تروریست و یکی از رهبران قدرتمند باندهای مافیائی جمهوری اسلامی گفته های هاشمی را مورد تأیید قرار می دهد. دولت های اروپائی که باند انتصابی را مانع اصلاحات سیاسی و اقتصادی می دانند و در شعار از باند خاتمی حمایت می کنند. با این حرکات به شعارهای پوچ و بی مصرف از وجود قدرت دوگانه در رژیم جمهوری اسلامی حکایت دارند و آشکارا برای رسیدن به منابع و قراردادهای ارزان قیمت حتا به تروریستهای امثال هاشمی رفسنجانی شادباش هم می گویند و از ملاقاتهای خود با وی اظهار خوشحالی می کنند. آقای جوزف دایس در این ملاقات بیان می دارد: "متأسفانه جامعه جهانی از پدیده تروریسم، نقض حقوق بشر، فقر و محرومیت در برخی مناطق دنیا در رنج است و ما میلیم به طور همه جانبه و بطور ریشه ای با این پدیده ها مبارزه کنیم."

انسان به گفته های آقای جوزف دایس نتنها نمی تواند باور داشته باشد بلکه باید از آقای جوزف دایس سؤال کرد که چطور امکان دارد در راه مبارزه با تروریسم با مافیا و تروریست ها وارد مذاکره شد و طرح جامع ارائه دهد. باید گفت ریشه تروریسم مثل ریشه درخت نیست که در زمین فرو رفته باشد و با بولدزر ریشه آن را از زمین در آورد. آقای جوزف ریشه تروریسم همانجا در دو قدمی شما بود البته زیر ابا. آقای جوزف اگر می خواهید به مبارزه علیه تروریسم کمک کنید اولین گام شما می تواند قطع ارتباط با جمهوری اسلامی باشد. نجات بخشی از تروریسم در منطقه خاورمیانه، تنها در صورت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی توسط کارگران و دانشجویان و روشنفکران انقلابی و سایر زحمتکشان، امکان پذیر است.

* * * * *

حکم شلاق و اعدام برای ...

از صفحه ۱

صدور حکم اعدام برای آغاچری قابل تعمق است. حکمی که بر اساس سخنرانی وی صادر گردید، اظهارات جدیدی نبود و قبلاً توسط دکتر علی شریعتی بدان پرداخته شده است. هر چند بیان مطالب توسط علی شریعتی در زمان حکومت جمهوری اسلامی نبود و روحانیان از قدرت سیاسی برخوردار نبودند، با این حال وی از طرف برخی از روحانیان و مراجع تقلید مورد غضب قرار گرفت ولی هیچوقت حکم ارتداد برای او از طرف مراجع تقلید شیعه صادر نشد. حالا، چرا تکرار این حرف ها از طرف آغاچری و با وجود عذر خواهی وی از متن سخنرانی اش، قوه قضائیه رژیم جمهوری اسلامی برای وی حکم اعدام صادر کرد، قابل بررسی است.

رژیم جمهوری اسلامی تمامی مخالفان جدی خود را در دادگاه های لحظه ای بدون وجود هیأت منصفه، وکیل برای متهم و فرجام خواهی، توسط حاکم شرع به جوخه های اعدام می سپارد. نبود موازین حقوقی در دادگاه های رژیم و رعایت نکردن حقوق متهمان در مراحل مختلف قضاوت و... اعتراض افکار عمومی داخلی و بین المللی را فراهم آورده است. رژیم تصمیم دارد، وارد ظواهر بازی گردد و به جهانیان اعلام دارد که دادگاه های ما استاندارد قضا را مراعات می کنند و به متهم اجازه می دهد برای خود وکیل اختیار کند و لایحه دفاعی برای خود تنظیم کند و حتا تقاضای فرجام کند و بر علیه حکم قاضی اعتراض نماید. رژیم تا آنجا پیش رفته است که احکام صادره را برای وکیل متهم ارسال می کند. از آنجا که حکم جدید آنقدر ارتجاعی و و قرون وسطائی است، این بازی تبدیل به افشا چهره جنایتکارانه رژیم در تمام دنیا گردید و بدنبال افشاگری و موضع گیری برخی از نیروهای درونی رژیم در مخالفت با حکم اعدام علیه آغاچری ادامه بازی را با مشکل روبرو ساخت. بهر حال رژیم می خواست با تشکیل دادگاهی دیگر، حکم اعدام را بشکند و با یک سری تغییرات حکم زندان در مورد وی، صادر کند. که به شکل های مختلف در مورد نیروهای معترض درونی رژیم شاهد بودیم. رژیم از این طریق می خواست خود را معتقد به قانون نشان دهد و احکام زندان و اعدام دیگر نیروها را در نزد افکار عمومی موجه سازد.

رژیم جمهور اسلامی که در بن بست سیاسی و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گرفتار آمده و شاهد ریزش نیروهای بدنه تشکیلات حکومتی است. برای جلوگیری از ریزش نیروهای طرفدار خود و گرایش آنان به مخالفت سیاسی بر علیه کلیت رژیم، که این پدیده می تواند، تلاشی حکومت اسلامی را تسریع کند. با صدور حکم علیه هاشم آغاچری رژیم در صدد بود، نیروهای مسئله دار را بترساند. با این حال درست است که حکم اعدام آغاچری شکسته خواهد شد، ولی رژیم با این کار می خواهد بمرگ بگیرد و به تب راضی کند.

رژیم در وضعیت کنونی و با توافق سران باندهای مختلف در صدد است به سوی تمرکز قوا حرکت کند و تهاجم دور جدید رژیم بدینجا ختم نخواهد شد و تعداد زیادی از نیروهای معترض را به اتهامات واهی از جمله جاسوسی به نفع امریکا به دادگاه ها احضار و آنها را زندانی خواهد کرد.

حکم جدید علیه آغاچری رژیم را وارد یک سری درگیری های جدید درونی ساخت. نیرو های پائینی طرفدار رژیم باید بدانند وارد شدن به این درگیری ها و امید بستن به باندهای درونی، رژیم را نجات نخواهد داد. برای نجات از فقر و فلاکت و فحشا و بی هویتی راهی جز سرنگونی رژیم نمانده است. با پیوستن به اعتراضات مردمی مبارزه با جمهوری اسلامی را گسترش دهید.

زن و حقوق زنان در جمهوری اسلامی، جدا از بی حقوقی زنان در اسلام نیست و بدون نفی اسلام از دایره حکومتی حل این مسئله غیر ممکن است. در عقود اسلامی پایه حقوقی زن نه بر اساس حقوق زن بلکه بر اساس حق مالکیت مرد بر زن استوار است و مرد مسلمان می تواند با مهریه ای زن را تصاحب کند. طرح حجاب به شکل کنونی را می توان در این مسئله یافت. برای تعریف زن از دید اسلام بهتر است به نهج البلاغه اثر امام اول شیعیان و چهارمین خلیفه مسلمانان مراجعه شود. خاتمی در مورد زن و حقوق زنان می گوید: " معیارهای ما با معیارهای دیگر کشورها متفاوت است که آن قابلیت طرح در دیالوگ دارد اما در ایران مشارکت سیاسی و حقوق زنان پذیرفته شده است و در حال حاضر تعداد پذیرفته شدگان زن در دانشگاه های کشور بیش از مردان است: "

خاتمی چون معتقد به فعالیت آزاد اجتماعی زنان نیست و تا این حدود که زنان وارد فعالیت های اجتماعی کافی می داند و ورود دختران به دانشگاه ها را یکی از موفقیت های رژیم می داند، در صورتیکه ورود به دانشگاه ها صرفاً به معنای ورود به فعالیت های اجتماعی نیست.

بحران مثل تار عنکبوت تمام موجودیت رژیم را در بر گرفته است. این مصاحبه ها تنها نمی تواند از شدت بحران بکاهد بلکه دامنه آن را گسترده تر و ماهیت ایدئولوژیک آن را عریان می سازد. در این میان کشورهای سرمایه داری غربی می خواهند مردم ایران را اسیر قراردادهای ننگین و اسارت بار اقتصادی بکنند. در این مورد باید هشیار بود و به جد خواستار افشا متن تمامی قراردادهای و علنی شدن مذاکرات پشت پرده شد. همچنین لازم است، لغو تمامی قرارداد های اسارت بار، یکی از شعار های محوری مبارزاتی مردم شود. * * * * *

**نشریات کار کمونیستی، ریگای که ل. جهان
کمونیستی و آخرین اطلاعیه های سازمان را از
آدرس غرفه سازمان در اینترنت دریافت کنید**

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

Kar-Co

Box 10063 S - 400 70

Göteborg / Sweden

فاکس روابط عمومی

+(46)317792571

آدرس پست الکترونیکی سازمان

webmaster@fedayi.org

آدرس پست الکترونیکی نشریه

jahan@fedayi.org

آدرس غرفه سازمان در اینترنت

www.fedayi.org

www.fedayi.se

بیماری صدها پناهجوی کریمه از جهنم جمهوری اسلامی . .

ادامه از صفحه ۱

در این اطلاعیه، ضمن مقایسه کردن اردوگاه رمادیه با زندان وحشتناک و عاری از حداقل امکانات، پناهجویان در این اردوگاه در کابوسی از وحشت و مرگ بسر برده و در صورت داشتن امکانات از اردوگاه به ترکیه فرار می کنند و در غیر اینصورت پناهندگان به اجبار، با وساطت صلیب سرخ و سازمان ملل و رژیم عراق به رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی تحویل داده می شوند. با توجه به اعدام های اخیر مخالفان رژیم بخصوص در کردستان ایران خطر جدی جان این پناهندگان را تهدید می کند. این اطلاعیه ضمن هشدار، خطاب به احزاب، سازمانها، محافل مترقی و انسان دوست و افکار مترقی بین المللی آورده است. " به منظور افشا و محکوم کردن این سیاست ضد انسانی سازمان ملل در سلب مسئولیت از سرنوشت صدها پناهجوی شمال عراق بکوشید."

* * * * *

تظاهرات ضد جنگ در استرالیا

۲۶ اکتبر همزمان با دیگر کشورها، در سیدنی مرکز استرالیا تظاهرات ضد جنگ بر گزار گردید. مردم از ساعت ۱۱ قبل از ظهر بتدریج در Twon Hall تجمع کردند. حدود ۱۲ ظهر مراسم با سخنرانی چند تن از افراد شرکت کننده آغاز گردید و بعد از آن شرکت کنندگان که حدوداً ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر می شدند به سمت کنسولگری امریکا (Martin Place) با سردادن شعارهای Free Refugee و No more War حرکت کردند. در آنجا چند تن از نمایندگان گروه ها، مطالبی در رابطه با سیاست جنگ طلبانه جرج بوش و حمایت هاوارد نخست وزیر استرالیا از آن و بخصوص علیه سیاست ضد پناهندگی دولت هاوارد ایراد کردند. گزارشگر جهان از استرالیا

نماینده شیخ از اعدام در اسلام میکوید

ادامه از صفحه ۲

کافر، جاسوس، و محارب به زندانها انداخت و به جوخه های اعدام سپرد. وکیل خانواده های قتل های زنجیره ای را به اتهامات واهی راهی زندان اوین کرد. روزهای اخیر ترور مخالفان سیاسی شدت گرفته و ۴ تن از زندانیان سیاسی را اعدام کرد. خاتمی می گوید: یکی از معیارهای دموکراسی، اصل استقلال قوا از یکدیگر است. بنده هم حق دخالت در قوای دیگر ندارم. اگر من چیزی را که در قوای دیگر انجام می شود نپسندم فقط در چارچوب اختیارات خویش می توانم آن را بیان کنم، بنده راضی نیستم که حتی یک انسان قلم بدست و متفکر و شخصی که غیر از ما فکر می کند در زندان باشد. اما این ادعا که در زندانهای ایران پر از مخالفان است، بر اساس چه آمار است؟ آیا هرکس در ایران به زندان می رود مخالف سیاسی است؟

برای فرار از پاسخ گوئی به نقض حقوق بشر، به استقلال قوا در نظامهای دموکراتیک می پردازد، در صورتیکه در اسلام و رژیم جمهوری اسلامی استقلال قوا معنی ندارد و همه تحت فرمان ولی فقیه هستند. وقتی دفاع از منافع رژیم است، استقلال قوا را کنار می زند و به دفاع از قوه قضائیه می رود و از پرسش کنندگان آمار می خواهد. چون اطمینان دارد با وجود زندانهای مخفی و دستگیری های مخفیانه دسترسی به آمار صحیح بسیار مشکل و حتی غیر ممکن است.